

# دیوان

مجله علمی تحقیقی بین المللی علوم اسلامی

مجله دراسته اسلامیة، عالمیة، علمیة، محکمة

International Journal of Islamic Studies

Uluslararası İslami Araştırmalar Dergisi

ISSN: 2706-6428

جلد: ۰۱ شماره: ۰۱ سال: ۱۳۹۸

## جنبه های نظری و عملی ایمان در خمسه نوایی

Theoretical and Practical Aspects of Faith in Khamsah of Nawaei

TEORİK VE PRATİK BOYUTLARIYLA NEVAYÎ'NİN HAMSE'SİNDE İMAN

سید عارف احمد اوغلو

### معلومات مقاله / Article Information / Makale Bilgisi

مقاله تحقیقی / Resarch Article / Araştırma Makalesi / نوع مقاله : مقاله / Article Type / Makalenin Türü

تاریخ دریافت مقاله / 20.10.2019 / Geliş Tarihi / Received Date

تاریخ پذیرش مقاله / / Kabul Tarihi / Accepted Date

روند توسعه تاریخ اندیشه اسلامی نشان می دهد که موضوع ایمان در زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه مسلمان جایگاه مهمی دارد؛ بدیهیست که باور های دینی در شکل گیری فرهنگ، هنر، شعر، ادبیات و اخلاق آنها فوق العاده مؤثر بوده است. البته علت اصلی این امر بستگی به محوریت دین در تمام امور زندگی مسلمانان دارد. به همین دلیل مسائل ایمانی، همانطور که در ادبیات دیگر کشورهای اسلامی دیده میشود، از طریق ابعاد مختلف ادبی در ادبیات ترکی-اسلامی نیز انعکاس یافته است. بعضی از شاعران اشاره های کوتاهی به این مسائل نموده اند، در حالی که بخش دیگری از شعرا ایمان را به عنوان پدیده اصلی تلقی نموده و آن را با جزئیات در اشعار خویش مورد بررسی قرار داده اند. امیر علی شیر نوایی از شاعران دسته دوم است. وی در دفتر اول «خمسه» خود به نام «حیرت الأبرار» معلومات رضایت بخشی را در مورد ماهیت و اصول ایمان تحت عنوان «شرح ایمان» ارائه میدهد. فقط آنچه که او را از دیگران متفاوت می کند اینست که ضمن بررسی جنبه نظری، جنبه تطبیقی و عملی ایمان را نیز فراموش نمی کند و خاطر نشان می سازد که ایمان نظری و عملی باید در زندگی مسلمانان انعکاس پیدا کند. بنا براین تأکید او، بر روابط ایمان، عمل و اخلاق متمرکز میباشد.

واژه های کلیدی: کلام، نوایی، خمسه، ایمان، نظری، عملی.

## ABSTRACT

The development process of the History of Islamic Thought shows that the subject of faith has taken an important place in the social and cultural life of the Muslim community and that it has been very influential in the formation of their culture, art, poetry, literature and moral understanding. This has a close relationship with the fact that faith is at the center of religion and that Muslim life is shaped around it. For this reason, it is seen that faith issues are processed with in various literary genres in Turkish-Islamic literature, just as they are in the literature of other Muslim nations. While some poets content with a brief reference to this subject, others have examined faith in detail in their poems as a fundamental problem. One of the poets who entered this second part is Ali Sheer Navaiy. He gives satisfactory information about the nature and principles of faith under the title "Commentary of faith" in Hayratu'l-Abrar, the first mesnevi of his work Hamse. However, what makes him different is that it emphasizes the relationship between faith-deeds/morality-life by highlighting the fact of faith/practice while addressing the theoretical dimension of the subject.

**Key Words:** Kalam, Navaiy, Khamsa, Faith, Theoretical, Practical.

## Özet

İslam düşünce tarihinin gelişim süreci, iman konusunun Müslüman toplumun sosyal ve kültürel hayatında mühim yer edindiğini; onların kültür, sanat, şiir, edebiyat ve ahlak anlayışlarının oluşumunda son derece etkili olduğunu göstermektedir. Bunun, iman dinin merkezinde yer alması ve Müslüman hayatın bu merkez etrafında şekillenmesiyle yakın ilişkisi vardır. Bu nedenle imanî meselelerin, diğer Müslüman milletlerin edebiyatında olduğu gibi Türk-İslam edebiyatında da çeşitli edebî türler vasıtasıyla işlendiği görülmektedir. Bir kısım şairler bu konuya kısaca atıfta bulunmakla yetinirken, diğer bir kısmı ise imanı temel bir problem olarak şiirlerinde detaylı incelemiştir. Bu ikinci kısma giren şairlerden biri de

Ali Şir Nevayi'dir. O, *Hamse* adlı eserinin birinci mesnevisi *Hayretü'l-Ebrâr*'da "imanın şerhi" başlığıyla imanın mahiyeti ve esasları hakkında doyurucu bilgiler vermektedir. Ancak onu farklı kılan ise konunun nazari boyutuna değinirken yaşanan/pratik bir iman olgusunu da ön plana çıkararak iman-amel/ahlak-yaşam ilişkisine vurgu yapmasıdır.

**Anahtar Kelime:** Kelam, Nevayi, Hamse, İman, Teorik, Pratik.

## مقدمه

علی شیر نوایی (م ۹۰۶/ق ۱۵۰۱م) یکی از مهمترین شاعران و دولتمردان دوره تیموری در قرن پانزدهم میلادی بود. حتی نوایی در راستای شعر و سیاست شهرت بیشتری کسب کرده است. ولی در عین زمان او، یکی از دانشمندان برجسته، متصوف و متفکر عصر خویش نیز میباشد.<sup>۱</sup> همچنان نوایی او با سرودن ۲۵۰۰ غزل، یکی از بزرگترین شاعران ادبیات ترکی و شرق-اسلامی بشمار میرود. و همچنین اولین شاعر خمسه سرای ادبیات ترکی و بنیانگذار یک مکتب ادبی نوین در زبان تورکی چغتایی است.<sup>۲</sup>

همانطور که مشخص است، در ادبیات ترکی-اسلامی، که می توان آنها را به عنوان ادبیات شفاهی و ادبیات کتبی؛ غزل، مثنوی و انواع دیگر شعر تقسیم کرد، در ادبیات تورکی ژانرهای مختلف ادبی در رابطه با سایر مباحث دینی-اخلاقی به ویژه با موضوع الوهیت ایجاد شده است، میبینیم. بطور مثال آثار مستقل به طرز توحید، مناجات (مناجات نامه ها)، اسماء حسنی و شرحهای اسماء حسنی، مثنوی تعدادی از این انواع هستند.<sup>۳</sup>

ایجاد ژانرهای ادبی مشابه در ادبیات ترکی-اسلامی ویا در ادبیات اسلامی که به یک سنت تبدیل شده است، در آثار علی شیر نوایی بیشتر هویدا است. دیده می شود که نوایی تقریباً در همه آثار خود؛ چه در نظم و چه در نثر، درباره مسائل اساسی ایمانی مانند الوهیت، نبوت و آخرت باورهای خود را بیان می کند. بدون شک یکی از شاهکارهای نوایی «خمسه» است که او چنین دیدگاه های خود را همچنین در لابلای همین اثر خود با روشی مرتب و منظم مطرح کرده است.<sup>۴</sup>

در «خمسه»ی نوایی موضوع الوهیت نه تنها محدود به صفت یک عقیده ساده، بلکه علاوه بر آن با سلسله مسائلی از قبیل هستی، معرفت، ذات، صفات و توحید نیز در سطح متافیزیکی با استدلال های اساسی رشته های علم کلام، فلسفه و تصوف بحث می شود.<sup>۵</sup> در همین زمینه نوایی، بُعد نظری ایمان را در چارچوب اعتقاد که می پذیرد مورد بحث قرار میدهد و در ضمن

<sup>۱</sup> برای دیدگاه های عرفانی نوایی مشاهده نمایید:

Altınışık, Yusuf, *Ali Şir Nevâyi'de Tasavvuf*, Harran Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Temel İslâm Bilimleri Anabilim Dalı, (Basılmamış Doktora Tezi), Şanlıurfa, 2002. s. 44-54.

<sup>۲</sup> برای معلومات بیشتر مشاهده نمایید:

Çetindağ, Yusuf, *Ali Şir Nevaî*, İzmir, 2011, s. 203; Levend, Ağah Sırrı, *Alişir Nevaî*, (Hayatı, Sanatı ve Kişiliği), I, Ankara, 1965, s. 75-81.

<sup>۳</sup> برای مثالها مراجعت نمایید:

Uzun, Şerife, *61. Yüzyıl Klasik Türk Edebiyatında Tevhid*, Ankara, 2013, s. 47; *DİA*. "Allah" *DİA*., II, s. 499; Şahin, Abdullah, "Edebî Bir Tür Olarak Klâsik Edebiyatımızda Esmâ-i Hüsnâ'lar", A. Ü. Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi, Sy., 16, Erzurum, 2001, s. 53-54.

<sup>۴</sup> «خمسه»، بین سالهای ۱۴۸۳-۱۴۸۵ میلادی نوشته شده و شامل مثنوی های حیرت الأبرار، فرهاد و شیرین، لیلی و مجنون، سبعة ای سیار (سبعة سیاره) و سد اسکندری میباشد.

<sup>۵</sup> برای جزئیات بیشتر در مورد دیدگاه های نوایی در این جهت مراجعه کنید:

Ahmadoglu, Sayid Arif, *Ali Şir Nevayi'nin Kelâmî Görüşleri-Hamse Adlı Eseri Örneği-*, NEÜ., Sosyal Bilimler Enstitüsü, Temel İslam Bilimleri, Anabilim Dalı, (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Konya, 2016. s. 48-98-104.

جنبه های عملی و اخلاقی ایمان را نیز مشخص میسازد، با صلاحیت علمی و تجربه دینی خود نمونه هایی از سیستم ایمان که پیاده به عمل باشد، را در میان میگذارد. در اینجا با جنبه نظری ایمان، اندیشه نوایی در باب تعریف، ماهیت و اصول ایمان؛ و با جنبه عملی ایمان، ملاحظات مؤلف مقاله مانند عمل، اخلاق و سایر عوامل که مؤثر در دستیابی به کمال ایمان است، در نظر گرفته شده است. بنا برین این مقاله از دو عنوان متشکل بوده منبع اصلی را «خمسه»ی نوایی تشکیل میدهد و در بعضی موارد به اثر «سراج المسلمین» وی نیز اشاره خواهد شد.

## ۱. جنبه ی نظری ایمان

با بعثت حضرت محمد (ص) دین اسلام که به کمال خود رسیده است، یک سلسله اساسهای را نیز دارا میباشد که باید توسط منسوبینش انجام یابد. اینها بطور کلی عبارت اند از ایمان و عمل (تئوریک و پراتیک)، ایمان جنبه عقاید- یعنی اعتقادی؛ و عمل جنبه تطبیقی احکام اسلام را تشکیل میدهد.<sup>۶</sup> این تمایز برای جهان بینی نوایی همچنین یک پدیده معتبر است. به نظر وی نیز احکام اسلام با عناوین ایمان و عمل به دو بخش تقسیم می شوند. عمل، جنبه فرعی آنرا تشکیل میدهد، در حالی که اصل یعنی بُعد اساسی آن اعتقاد است. عبارات ذیل این نظریه نوایی را مشخص میسازد: «احکام اسلام به دو بخش تقسیم می شوند و هر کدام ازینها اهداف خاص خود را دارد. مراد یکی از اینها عقیده، و مطلوب از دیگری عمل است. عقاید قبل از عمل آمد. اگر چنین است، بگذارید ابتدا از آن مستفید بسازم.»<sup>۷</sup>

همانطور که می بینیم از نظر نوایی، از آنجا که ایمان اصل است، در فراگیری نیز در معرض اولویت قرار دارد. زیرا به عقیده او بدون اینکه اصول اعتقادی درست فراگرفته نشود، ساختار مسائل عملی در جهت سالم امکان پذیر نیست. سعی نوایی برای بررسی موضوع بطور کامل در چارچوب این طبقه بندی، تأکید او را بر اهمیت موضوع ایمان و همچنان تناسب تصنیف وی را به روش اصول علوم اسلامی نشان می دهد. تعریف شاعر در ارتباط با ماهیت ایمان «اقرار به زبان و تصدیق با قلب» است.<sup>۸</sup> در عین زمان دیده میشود که او، با این تعریف مسیر مذهبی خود را نیز روشن بسازد:

آنینگ معنی سیدور تیل بیرلا اقرار - کونگل بیرلا اینانماغلیغ داغی بار.

«معنی ایمان اقرار با زبان و تصدیق با قلب است.»<sup>۹</sup>

همانطور که مشخص است، درباره ماهیت ایمان دیدگاه های مختلفی از فرقه های اسلامی وجود دارد. از نظراهل سنت ایمان تصدیق قلبی است. فرقه های جهیمیه و نجاریه ایمان را «معرفت» علمای معتزله تصدیق با قلب، اقرار با زبان و خود داری ازگناهان کبیره؛ مرجئه و کرامیه «صرف اقرار با زبان» توجیه نموده اند. ایمان در لغت از کلمه آمن مشتق است و به معنی « مطمئن بودن و رهائی ذهن از ترس» یعنی به این معنی که «با حس مطمئنانه تصدیق نمودن و با آرامش قلب باورداشتن» است. و در اصطلاح ایمان، « پیامبران را، آنچه که ضرورتاً به نام دین از جانب الله (ج) آورده تبلیغ نموده اند، باور داشتن و تصدیق کردن است.»<sup>۱۰</sup>

<sup>۶</sup> Gölcük, Şerafeddin, *İslâm Akâidi*, Konya, 2009, s. 47.

<sup>۷</sup> علی شیر نوایی، *سراج المسلمین* (شامل مجموعه ای آثار نوایی)، تحقیق. عبدالله رویین (مزار شریف: بی نا ۲۰۱۰)، ۵.

<sup>۸</sup> نوایی، *سراج المسلمین*، ص. ۵.

<sup>۹</sup> نوایی، *سراج المسلمین*، ص. ۵.

<sup>۱۰</sup> Topaloğlu-Çelebi, *Kelâm Terimleri Sözlüğü*, İstanbul, 2010, s. 154; Gölcük, *İslâm Akâidi*, s. 49-50; Sinanoğlu, "İman", *DİA.*, XXII, İstanbul, 2000, s. 212-213.

با توجه به اظهارات مذاهب در مورد ماهیت ایمان، به نظر می‌رسد که تعریف نوایی در این جهت نیاز به توضیح دارد. بیان او نشان می‌دهد که درکنار تصدیق قلبی اقرار زبان را به عنوان رکن ایمان می‌پذیرد. این، حداقل در مرحله اول چنین نمایان می‌شود. در این صورت، دیده می‌شود که ایمان باید همراه با تصدیق قلب و اقرار با زبان تحقق یابد. اما، علمای اهل سنت با در نظر گرفتن موقعیتهای انسانی مانند «عذر شرعی» و سایر موارد دیگر، تصدیق قلب را برای صحت ایمان کافی و معتبر دانسته‌اند. زیرا از دیدگاه این مکتب، بیانات نصوص ایمان را فقط به تصدیق قلب پیوند می‌دهد.<sup>11</sup> اقرار زبانی "دلاله بر تصدیق قلب" و به "تطبیق احکام دنیوی" مورد نیاز است.<sup>12</sup> این نظریه، از امام ابوحنیفه (م ۷۶۷ق/۱۵۰م) نقل شده و همچنان امام ماتریدی (م ۳۳۳ق/۹۴۴م) این ایده را پذیرفته است. دو روایت که از ابو الحسن الأشعری (م ۳۲۴ق/۹۳۶م) در این جهت آمده، مسلم از این دو دیدگاه به همین جهت بوده است.<sup>13</sup> در عین حال، به ارتباط تعریف ایمان در مذهب حنفی اضافه شدن اقرار به تصدیق قلب به اصطلاح «قول مشهور» مسمی می‌باشد که طرفدار و مدافع این دیدگاه عالمانی چون فخرالسلام پزدوی (م ۴۸۲ق/۱۰۸۹م) و سرخسی (م ۴۹۰ق/۱۰۹۸م) هستند. به گفته آنها، تصدیق رکن اصلی و اقرار رکن اضافی است.<sup>14</sup>

اهمیت دادن اهل سنت در تعریف ایمان به اقرارزبانی همراه با تصدیق قلبی، ناشی از این واقعیت است که نمی‌توان ایمان را بر روی یک ادعای خالص و غیر قابل توصیف و قضاوت کرد. زیرا، از نظر آنها اقرار به زبان بُعد وجودی ایمان را تشکیل نمیدهد. بناء اقرار به زبان بخاطر انجام احکام دنیوی یک امر ضروری و همچنان نشانه ایمان در قلب است.<sup>15</sup> به همین سبب این نظر که «قول مشهور» شناخته شده یک امر استثنائی می‌باشد. بناء باید گفت که نظر به دیدگاه اهل سنت، اقرار از رکن ایمان نه، یکی از شروط نشانه ایمان بوده است. به این معنی که اقرار نه شرط صحت ایمان می‌باشد و نه هم جزء از ایمان است. این تعریف ضمن اینکه از اهمیت اقرار نمی‌کاهد با دیدگاه نوایی نیز سازگار می‌باشد. این نظر شاید بخاطر اهمیت اقرار باشد که به همین سبب تعریف ایمان عموماً در رساله‌های عقیدتی اهل سنت به شکل اقرار به لسان و تصدیق به قلب است.<sup>16</sup> با این حال، هما نظور که در بالا ذکر کردیم در دیدگاه اهل سنت رکن وجودی و اصلی ایمان تصدیق است.<sup>17</sup> قسمی که در عنوان بعدی نظریه نوایی را در باره ایمان نگاشتیم مشاهده می‌شود که نوایی ایمان را در قالب تعریف اقرار و تصدیق بطور مطلق محدود نمی‌کند، نه جزء از ایمان بلکه به عنوان یک واقعیت، موارد عملی و اخلاقی را نیز در نظر می‌گیرد.

در عین حال نوایی در اشعار خود، ایمان اجمالی و ایمان تفصیلی را مورد بحث قرار داده مطابق دیدگاه اهل سنت بررسی می‌نماید. همان طور که میدانیم ایمان اجمالی «به تمامی اصول ایمان به طور خلاصه و کلی اعتقاد داشتن»؛ ایمان تفصیلی به

<sup>11</sup> نگاه کنید: مانده، ۴۱/۵؛ نحل، ۱۰۶/۱۶؛ حجرات، ۱۴/۴۹.

<sup>12</sup> Altıntaş-Çelebi, vd., *Kelam El Kitabı*, Ankara, 2012, s. 290; Çelebi, İlyas, *İslâm'ın İnanç Esasları*, İstanbul, 2010, s. 16; Gölcük, Şerafeddin-Toprak, Süleyman, *Kelam Tarih, Ekoller, Problemler*, Konya, 2001, s. 121-122; Gölcük, *İslâm Akâidi*, s. 49.

<sup>13</sup> ابوالمعین میمون بن محمد نسفی، کتاب التمهید لقواعد التوحید (اساسات توحید)، مترجم. هلیا آلپار (استانبول: بی‌نا، ۲۰۱۳)، ۱۴۳.

<sup>14</sup> Gölcük-Toprak, *Kelam*, s. 121-122; Altıntaş-Çelebi, vd., *Kelam El Kitabı*, s. 293.

<sup>15</sup> Altıntaş-Çelebi, vd., *Kelam El Kitabı*, s. 294.

<sup>16</sup> بطور مثال راجع به تعریف ایمان که امام ابوحنیفه آنرا عبارت از تصدیق، معرفت، یقین، اقرار و اسلام خوانده مراجعت نماید: *العالم والمتعلم*، (شامل مجموعه ای پنج اثر امام اعظم-بخش عربی)، ترجمه، مصطفی اوز (استانبول: بی‌نا، ۲۰۱۷)، ۱۸. راجع به تعریف ایمان که تصدیق و اقرار خوانده شده مراجعت کنید: *الفقه الأكبر*، (شامل مجموعه ای پنج اثر امام اعظم-بخش عربی)، ترجمه، مصطفی اوز، (استانبول: بی‌نا، ۲۰۱۷)، ۷۴.

<sup>17</sup> امام ماتریدی به ارتباط با این موضوع میفرماید: «با واسطه ی دلایل قرآنی، با قبول اهل ایمان و با حقیقتهای علم ریشه شناسی، عبارت بودن ایمان از تصدیق ثابت شده است. ما از طریق تصدیق ایمان میاوریم... ماتریدی، ابومنصور، محمد بن محمد بن محمود، کتاب التوحید، ترجمه، بکیرتوپال اوغلو، (انقره: بی‌نا، ۲۰۰۹)، ۴۲۹.

معنی « به تک تک از اصول ایمان به طور واضح و باجزئیات آن باور داشتن » است.<sup>۱۸</sup> از نظر نوایی ایمان اجمالی، به شش اساس ایمان (مومن به) با گفتن جمله «ایمان آوردم» تحقق می یابد و ایمان تفصیلی، ایمان داشتن به جزئیات هر یک از این اصول ممکن است. به عنوان مثال به گفته وی، جمله ی «ایمان آوردم به الله» ایمان اجمالی؛ خداوند را خالق همه چیز دانستن و وجود خدایی غیر از او را انکار کردن ایمان تفصیلی میباشد. او به همین روش، نظرات خود را بر بازنمایی سایر اصول ایمانی، مانند کتاب ها، فرشتگان، انبیاء، قضاء-قدر و آخرت بنا می کند.<sup>۱۹</sup>

نوایی اصول ایمان را به شش مورد می پذیرد. این پذیرش همچنین منعکس کننده دیدگاه اهل سنت است.<sup>۲۰</sup> به گفته ی وی، «در شریعت شش چیز وجود دارد که مؤمنان باید به آن ایمان بیاورند»<sup>۲۱</sup> و مقصود اصلی از اینها از دیدگاه او شناخت خداست:

آلتیدین اولگی کی مقصود ایرور – بیلیمک ایرور حقنی، که موجود ایرور.

«مراد از اصول ششگانه (ایمان) مقصود شان اولی ست، که اوهم شناخت موجودیت خداوند است.»<sup>۲۲</sup>

آلتیدین ایکینچی ملاتکنی بیل – برچه گه تصدیق وجود ایله گیل.

«از شش (اصول ایمان) دومی ملاتک را بدان و موجودیت تمامی آنها را تصدیق بکن.»<sup>۲۳</sup>

انگلا اوچونچی کتب آسمان – تینگری سوزی بیل بری سی بیگمان.

«بدان که سومی (از اصول ایمان) کتابهای آسمانی است. بدون شک سرتاسر کلام خداوند است.»<sup>۲۴</sup>

بیل ینه تورتونچی رُسل معشری – هر بیبری بیر بحر صفا گوهری.

«چهارمین ازینها جماعت بیغمبران است که هر کدام اینها بحی از مجوهرات اند.»<sup>۲۵</sup>

کیلدی بیشینچی انگا یوم الحساب – دیما حساب ایت که یوم العذاب.

«پنجمی اینها روز حساب است. نگو روز حساب، بگو که روز عذاب است.»<sup>۲۶</sup>

سادس انگا کیلدی حدیث قدر – بیل ازلی ثبت نه کیم خیر و شر.

<sup>18</sup> اهل سنت، به اساسات ایمان بطور کلی (اجمالی) اعتقاد داشتن را که این با الفاظ «کلمه‌ی توحید و کلمه‌ی شهادت» خلاصه میشود، فرض شمرده، در مورد ایمان تفصیلی با توصیه ها اکتفا نموده است. ایمان تفصیلی از نظر فرقه ای معتزله فرض شمرده است: Güneş, Kamil, *İman ve Yorum*, Konya, 2010, s. 26; Gölcük, *İslam Akâidi*, s. 50-51; Kalkan, Ahmet, *Müslimân Akâidi*, İstanbul, 2007, s. 515.

<sup>19</sup> علی شیر نوایی، حیرت الأبرار، تحقیق و مترجم. وحید تورک و شعبان دوغان (انقره: بی نا، ۲۰۱۵) عنوان، XXII، ۸۸؛ نوایی، سراج المسلمین، ۵-۶.

<sup>20</sup> Topaloğlu, Bekir, *Allah İnancı*, İstanbul, 2010, s. 21-22; Çelebi, *İslâm'ın İnanç Esasları*, s. 25-26; Güneş, *İman ve Yorum*, s. 26.

<sup>21</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۷.

<sup>22</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۸.

<sup>23</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۹.

<sup>24</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۹۰.

<sup>25</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۹۱.

<sup>26</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۹۲.

« اصل ششم ازینها حدیث قضا و قدر است.<sup>۲۷</sup> بدان که خیر و ش همه در ازل نوشته شده است.»<sup>۲۸</sup>

نوایی اساسات ایمان را که در ادامه هر بیت خود به شمارش گرفته، دیدگاه‌های خود را در مورد ماهیت فرشتگان، قدیم و حادث بودن کتاب‌ها، نبوت و معجزات پیغمبران، آخرت و احوال آن، قضاء و قدر و خصوصاً موضوع الوهیت را به شکل مفصل بیان می‌دارد. او در اینجا موضوعات فرشتگان، پیامبران و آخرت را کلا سازگار با دیدگاه اهل سنت مورد ارزیابی قرار داده است. او در توضیحات خود در مورد کتاب‌ها به خط فکری سلف و اهل حدیث نزدیکی نشان می‌دهد.<sup>۲۹</sup> گفته‌های را که نوایی در ذیل بیان نموده، بر این ادعا مهر تایید می‌گذارد:

حق سوزی هر جزء ورق تا ورق - برچه حقایق دورور و برچه حق.

مثل انگا معدوم، مشابه عدیم - قائل انداق که قدیم، اول قدیم.

"پاره ها ورق تا ورق همه کلام خداست، همه حقیقت و حق اند. هیچ چیزی به او مثل و مشابه نیست. مثل که قائلش قدیم است، او نیز قدیم است."<sup>۳۰</sup>

او، درعین زمان در توضیحاتی که با تجربه<sup>۳۱</sup> دینی خود در مورد قضاء و قدر می‌دهد، تحت تاثیر هستی‌شناسی اندیشه ای وحدت وجود قرار گرفته است. صوفیانی که از وحدت وجود دفاع می‌کنند به مانند دیگر موجودات آزادی انسان را نیز به عنوان وابسته به قانون کلی الهی می‌دانند. نوایی موضوع را که با روحیه‌ی تسلیمیت، بررسی و تحلیل می‌کند تلاش دارد تا وابستگی خود را به اندیشه مورد بحث، نشان دهد.<sup>۳۱</sup> او وقتی تمامی دیدگاه‌های خود را در مورد این موضوعات مطرح می‌کند در راستای انشاء هویت یک مسلمان کامل توجه‌ها را در جهت اهمیت عمل نیز جلب می‌کند.

## 2. جنبه ی عملی ایمان

در اندیشه اسلامی، دیدگاه‌های مختلف فرقه های اسلامی در توضیح موضوعات مربوط به الوهیت پدید آمده است.<sup>۳۲</sup> از بین اینها در علم کلام بر اساس نص مسیر عقلی دنبال میشود و در تصوف اگر به طور کلی بگوییم، روش فردی، حالی و کشفی حاکم است. به عبارت دیگر، علم کلام از روش استدلال و تصوف از روشهای کشفی که ما آنها را قلب و وجدان نیز نامیده میتوانیم

<sup>27</sup> زیرا پنج شرط اصول ایمان را که نوایی ارزیابی کرده است، یعنی ایمان به خدا، فرشتگان، کتابها، آخرت و پیامبران، با آیات قرآن ثابت است. مشاهده نمایید، سوره بقره، ۱۷۷/۲. ایمان به قضاء و قدر که از طرف اهل سنت به عنوان اصل ششم ایمان پذیرفته شده، بر اساس حدیث پیامبر (ص) ثابت است. مشاهده کنید، مسلم، «ایمان»، ۱. علاوه بر این، موضوع ایمان به قضاء و قدر توسط آیات قرآن نیز تأیید می شود. مشاهده نمایید، سوره رعد، ۸/۱۳؛ سوره قمر، ۴۹/۵۴.

<sup>28</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۹۲.

<sup>29</sup> از منظر معتزله و کسانی که مانند او فکر می‌کنند، متکلم بودن الله با ایجاد صدا، حروف و سایر وسایل امکان پذیر است. بنابراین از نظر آنها هم کلام الهی و هم قرآن حادث است. از نظر علمای سلف متکلم بودن خداوند از طریق ارگان ها نه بلکه از طریق حروف و صدا ممکن است. بنأ نزد آنها صدا و حروف، همچنان قرآن کریم قدیم است. از دیدگاه اهل سنت، معنیهای که کلام الهی «کلام نفسی» را تشکیل میدهند قدیم و بیان آنها که از طریق صدا و حروف ابراز میشوند، حادث است. زیرا صدا و حروف عبارت از سمبل های هستند که دلالت بر کلام خدا دارند. نگاه کنید: Topaloğlu-Çelebi, *Kelam Terimleri Sözlüğü*, s. 180-181.

<sup>30</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۹۰.

<sup>31</sup> برای جزئیات بیشتر نظرات نوایی در این باره، مراجعه کنید:

Ahmadoglu, Sayid Arif, *Ali Şir Nevâyi'nin Kelâmî Görüşleri-Hamse Adlı Eseri Örneği-*, s. 112-118; Altınışık, Yusuf, *Ali Şir Nevâyi'de Tasavvuf*, s. 91-92.

<sup>32</sup> Topaloğlu, *Allah İnanıcı*, s. 21-22; Çelebi, *İslâm'ın İnanç Esasları*, s. 25-26.

پیروی نموده است. در نتیجه، از بابت دستیابی به توحید، در نظرات این دو علم دو روش مختلف، عقلانی و تجربی پدیدار می شود. با وجود اینکه متصوفین اهمیت زیادی به مسئله توحید می دهند باید گفت که بین خود آنها نظرات مختلفی نیز درین مورد وجود دارد. یکی ازینها، مفکوره وحدت وجود است که نوایی نیز تحت تأثیر این مفکوره قرار گرفته است. این مفکوره بر اساس اینکه "موجودی (حقیقی) غیر از خدا نیست" شکل گرفته و سعی دارد ایمان به خدا در دین اسلام را در چارچوب همین اساس تشریح نماید.<sup>۳۳</sup>

دلیل اینکه ما این تمایز را در اینجا ذکر می کنیم این است که نوایی نیز در تلاش است تا در این زمینه چنین مسیری را دنبال کند. نوایی در کتاب اول *خمسه اش*، *حیرت الأبرار*، شرح ایمان را مورد بحث قرار داده و بر دو اصطلاح اصلی تأکید می کند، یکی ازینها اصطلاح *اهل ظاهر و دیگری اهل معنی*<sup>۳۴</sup> - می توانیم این جملات را انتقال از تئوری به پراتیک نیز بدانیم - است.<sup>۳۵</sup>

این مفاهیم، که در اندیشه اسلامی به طور کلی به عنوان ظاهر و باطن قلمداد می شوند، ارتباطی با دیدگاههای "ستر"، "کشف" و "تقیه" در اندیشه شیعه و تصوف دارند. شیعیان ادعا می کنند که در اسلام علم ظاهر و علم باطن از جمله دو نوع علم وجود دارد و بطور عموم تفکراتشان درین موارد را در چشم انداز مسائل امامت و سیاست اختصاص میدهند.<sup>۳۶</sup> با این حال، موضوع ظاهر و باطن دارای بحث پیشینه ی تاریخ فلسفه نیز است که بحث آن تا فلسفه دوره باستان گسترش می یابد و بحثش در قرون وسطی نیز طور گسترده ادامه می یابد. هما نظور که مشخص است از فیلسوفان اسلامی چون کندی (م[؟] ۲۵۲ق/۸۶۶م) و فارابی (م ۳۳۹ق/۹۵۰م) نیز در زمینه ی ارتباط دین و فلسفه چنین یک روش تألیفی را اختیار نموده توسعه داده اند.<sup>۳۷</sup>

از طرف دیگر، دیدگاه متصوفان با درک امامت و سیاست اندیشه شیعه و نیز با فهم فلاسفه در این مورد متفاوت است. در اندیشه متصوفین علوم دینی نیز به شکل ظاهر و باطن به دو دسته تقسیم می شود. نزد آنها، معلومات بدست آمده از طریق ارگانهای حسی به عنوان علم ظاهر (حدیث، فقه، کلام) شناخته می شود و نیز افرادی که با این علوم سر و کار دارند علمای ظاهر، علمای رسوم و یا اهل ظاهر نامیده می شوند. از سوی دیگر متصوفین، تصوف را به عنوان علم باطن معرفی نموده و خودشان را علمای باطن و اهل باطن مینامند.<sup>۳۸</sup>

<sup>33</sup> Savuran, Yusuf, *İzmirli İsmail Hakkı'nın "Mulahhas İlm-i Tevhîd" Eserinin Sadeleştirilmesi ve Kelamî Açısından Değerlendirilmesi*, Erciyes Ün., Sosyal Bilimler Ens., (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Kayseri, 2005, s. 118-119; Kılıç, Erol, *İlk Dönem Süfi Düşüncede İmana Yaklaşımlar*, Gazi Ün., Sosyal Bilimler Ens., Basılmamış Yüksek Lisans Tezi, Ankara, 2006, s. 115-117.

<sup>34</sup> نوایی، *حیرت الأبرار*، عنوان، XXII، ۸۶.

<sup>35</sup> ظاهر به معنی "قسمت قابل رؤیت چیزی است" و منظور از معنی "چیزی مقصود و مطلب موضوع" میباشد. در اصطلاح تصوف، معنی به عنوان ضد صورت و شکل استفاده شده است. صورت مترادف "شکل"، تصویر، ظاهر، مظهر به معنی «ببرونی و وجود چیزی است که توسط حواس درک می شود.» بر این اساس، صورت، معنی، واقعیت، روح، جوهر و باطن به ترتیب متضاد لفظ، تصویر، بدن، شکل و ظاهر میباشد. به طور کلی، به این موضوع در منابع با مفهوم ظاهر - باطن پرداخته می شود. باطن به عنوان مصادف قسمت نامرئی، "واقعیت" چیزی تعریف شده است:

Şensoy, Sedat, "Mana", *DİA.*, XXVII, İstanbul, 2003, s. 555; Demirli, Ekrem, "Sûret" *DİA.*, XXXVII, İstanbul, 2009, s. 540; Taş, İsmail, *İhvan-ı Safâ'da Felsefe ve Din Münasebeti*, s. 200.

<sup>36</sup> Uludağ, Süleyman, "Batın İlmî", *DİA.*, V, İstanbul, 1992, s. 188; Uludağ, Süleyman, "Keşf", *DİA.*, XXV, İstanbul, 2002, s. 315; Öz, Mustafa, "Mestür", *DİA.*, XXIX, Ankara, 2004, s. 338; Taş, *İhvan-ı Safâ'da Felsefe ve Din Münasebeti*, s. 201.

<sup>37</sup> Cengiz, *İbn Rüşd'de Uluhiyet*, s. 40-47; Taş, *İhvan-ı Safâ'da Felsefe ve Din Münasebeti*, s. 200.

<sup>38</sup> Uludağ, "Batın İlmî", *DİA.*, V, s. 188.

براساس این توضیحات، به راحتی می توان گفت افرادی که توسط نوایی به نام اهل ظاهر مورد خطاب قرار گرفته اند همان اشخاصی هستند که صوفیان آنها را علمای ظاهر نامیده اند. نا گفته نباید گذاشت کسانی را که نوایی به عنوان اهل معنی شناخته و نظریاتشان را مورد پسند قرار داده است، همان اهل باطن یعنی متصوفین هستند.<sup>۳۹</sup> در این مرحله است که اختلاف نظر نوایی نسبت به توضیحات اصول ایمان نمایان می شود. در حقیقت، چیزیکه در اندیشه ی صوفیان به عنوان «حقیقت ایمان» در نظر گرفته شده است، یک سلسله توضیحاتیست که براساس تجربیات معنوی و روحی ایشان نسبت به کمال ایمان (نه جزء از ایمان) اشاره دارد.<sup>۴۰</sup> این موضوع، در کتابهای سیستماتیک علم کلام زیرعنوان ایمان «تقلیدی و تحقیقی» با استدلال های عقلی روی دست گرفته میشود.<sup>۴۱</sup>

در این زمینه، نوایی درک از ایمان اهل ظاهر را مورد انتقاد قرار داده و می گوید: «الإيمان أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر، والقدر خيره وشره» دیمکدن مقصود بو کلمات ایرمس. اگر اهل ظاهر مونی ایمان دیرسه اهل معنی دیمس... «مقصد از ایمان به خدا، به فرشتگان، به کتابها، به پیامبران، به آخرت و قدر و خیر و شر از خداست (ایمان آورده ام) به زبان آوردن این کلمات نیست، اگر اهل ظاهر این را ایمان گویند، اهل معنی نخواهند گفت.» به گفته نوایی، ایمان: «اظهار ناتوانی نمودن از شنا در دریای ألوهیت، بال زدن در آسمان ملائکه، آرزوی جستجوی چند حرف از اوراق کتابها، قدم برداشتن در راه رسولان، نشان استادگی در روز رستاخیز (را داشتن) و درآستانه ی قدر تا حد امکان ترنم نمودن است.»<sup>۴۲</sup>

گفته های نوایی در مورد ایمان به خدا که این اولین اصل ایمان است، به این واقعیت اشاره دارد که حقیقت ذات خداوند را نمی توان از طریق حواس و استدلال شناخت. لازم است دیدگاه هایی را که وی در مورد سایر اصول ایمان مطرح مینماید، به عنوان نمونه ی روش تحقیق وی پذیرفته و رابطه ی بین ایمان-عمل و ایمان-اخلاق تلقی نماییم.

نوایی، بعد از تعریف مطلق ایمان در قالب اقرار با زبان و تصدیق با قلب در گفته های بعدی اش انشاء ایمان را به تنهایی در این قالب چندان قابل اهمیت نمیداند. هرچند این دو ابراز، متناقض هم دیگر به نظر می رسند، اما در حقیقت به خودی خود متمم یکدیگراند. از نظر نوایی انسانها از نگاه تصدیق و اقرار وصف مؤمن را مطمئناً حاصل میکنند اما به نظر وی، اهمیت دنیوی و اخروی ایمان، با تطبیق ارزشهای معتقد، به طور پیوسته پایداری به آنها و تبدیل به عمل پدید می آید. از نظر او این کار فقط با داشتن تسلیمیت کامل، رضایت، تقوا، صبر، شکر، ادب و غیره خصوصیات اخلاقی امکان پذیر میباشد. زیرا به گفته وی، این عملکردها به عنوان علامات فارقه ایمان لازمه ی شخص مؤمن است:

بس آنی انسان اتاگیل بی ریا - کیم ایشیدور صبر ابله شکر و حیا

بویلا بویوردی نبی هاشمی - کیم بو اوچ ایمانینگ ایرور لازمی

بس آنی انسان دیماک اولغای روا - کیم ایشی ایمان بیلا تاپقای نوا.

«کسی را انسان بنام که بدون ریاکاری، صبر و شکر و حیا را پیشه ساخته باشد. نبی هاشمی چنین فرموده است که این سه لازمه ای ایمان است. پس کسی را انسان نامیدن روا است که کارش با ایمان رنگ و رونق بگیرد.»<sup>۴۳</sup> علاوه بر این، در سنت

<sup>39</sup> برای در یافت این دو اصطلاح مورد نظر مراجعه کنید، نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۶.

<sup>40</sup> Kılıç, İlk Dönem Süfi Düşüncede İmana yaklaşımlar, s. 93.

<sup>41</sup> Yeprem, Mustafa Saim, Maturidi'nin Akîde Risâlesi ve Şerhi, Ankara, 2011, s. 79.

<sup>42</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۶.

<sup>43</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۷.

تصوف، توکل، رضایت، تسلیمیت، تفویض، انابت و صبر بر این عقیده استوار است که «خداوند بهترین چیزها را برای بنده خود ایجاد می کند.»<sup>۴۴</sup>

به گفته نوایی، حتی اگر انسان با داشتن ماهیت طبیعی اش در اصطلاحات «رسم تام و حد تام» علم منطق با سخن زدن جهت ناطق بودنش را در قالب «حیوان ناطق» تکمیل کند نیز نمیتواند تعریف انسانیت و جنبه اخلاقی اش را تکمیل نماید. بنابراین، به گفته وی، ویژگی اصلی که انسان را از سایر موجودات زنده متمایز می کند، اعتقاد است. این جنبه اخلاقی ایمان است. نوایی در ادامه ابیات خود با در نظر گرفتن رابطه فرد با اخلاق، نشانه انسان بودن و انسانیت را معادل مؤمن بودن می داند. به گفته وی، ایمان نه تنها صفت برای مؤمن بودن، بلکه برای انسان بودن نیز لازم است:

کیم که جهان اهلیده انسان ایرور - بیل که نشانی آنگا ایمان ایرور.

«یقین بدار که نشانه انسان بودن در جهان با ایمان بودن است.»<sup>۴۵</sup> او، مکرراً به ارزش ایمان در زندگی انسانها و اهمیت عمل به آن را با استعاره عطف توجه می کند:

ایله سه بو آلتی بیله اختصار - آلتی جهتدن آنگا بولغای حصار.

کیم بو حصار اولسا آنینگ مأمنی - اوغریدن ایمن بولوبان مخزنی.

«هر آنکه باعمل به این شش (شرط ایمان) زندگی نموده، گویا که به شش جهت خود حصار کشیده. کسی که مأمّن اش اندر حصاراست، مخزنش از دزدی غیر بیخوار در امان است.»<sup>۴۶</sup>

نوایی می داند که وقتی از دنیا سفر کند، جز از ایمان چیزی با خود نخواهد برد. به دیدگاه وی ایمان، به عنوان لطف خداوند در قدم اول مهمترین و اساسی ترین اعاشه برای سفر به آخرت میباشد:

بولمسا ایمان بیله کیتمک کیشی - آنگلا که آنی دیسه بولمس کیشی.

یا رب اوشل تحفه نی آخر نفس - ایله نوایی ایله همراه و بس.

آنکه زین دنیارفت بی ایمان - بدان او را نتوان گفت انسان .

یارب آن تحفه در انجام نفس - بکن همراه نوایی و بس.<sup>۴۷</sup>

جالب است که نوایی گفتمانهایی را که در مورد موضوعات ایمان و توضیحات آن مطرح مینماید، به عنوان شرح و تأویل توصیف کرده است، نه اینکه آنها را به عنوان حقیقت مطلق و الزام آور معرفی کند.<sup>۴۸</sup> این قابل درک است که هدف نوایی از تأویل، غیر از تعریف مطلق ایمان، تعریف آن با حالات روحی و معنوی از جهات تجربه و بیان اینها با استعاره هایی چون مجاز، سمبل و رموز انجام می یابد، است. به هر حال، در اصل نیز مقصود تأویل بیان مجازی نصوص است و متصوفین مسلماً چنین روش از تأویل را

<sup>44</sup> Demirli, Ekrem, "Yaratma", *DİA.*, XXXXIII, İstanbul, 2013, s. 330.

<sup>45</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۶.

<sup>46</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۸.

<sup>47</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۹۵-۹۶.

<sup>48</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، I، ۱؛ نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۸.

اختیار مینماید.<sup>۴۹</sup> به عبارت دیگر، در اندیشه صوفیان، احساس نزدیکی به خدا جستجو بر اساس چنین «رویکردهایی اکتشاف روحی حاصل خواهد شد که مبتنی بر تجربه و کردار است.»<sup>۵۰</sup>

به همین ترتیب، در ابیات نوایی نیز این نوع دیدگاه به چشم میخورد و او باور به آن است که تجربیات مشابه منجر به درجه نزدیکی به خدا خواهد شد. او همان احساس را با یک اصطلاح عرفانی "قرب"<sup>۵۱</sup> چنین بیان می کند:

مقصودی اصلینا خرام ایله گی - قرب حریمینی مقام ایله گی.<sup>۵۲</sup>

«آنکه با این مقصود خرام کند، حرم قرب را مقام می کند.» همچنین از دیدگاه علم کلام نیز، اصلهای ایمان که با دلایل قطعی ثابت شده اند، توضیحات آنها با تعبیر استعاره، عملی و دلایل دیگر که ارتباط به اینها (استعاره، مجاز، عمل) میگردند در کمال ایمان حمل می شوند.<sup>۵۳</sup>

### نتیجه گیری

چنین نمایان میشود که علی شیرنوایی بسیاری از علوم اسلامی را تحصیل و با شخصیت خود مزج نموده است. مواردی که در جنبه نظری ایمان و در بُعد عملی ایمان ارزیابی و مشاهده شد، وی دیدگاهی را همانند یک متصوف اهل سنت را دارا میباشد. او، در حالیکه با بیانات مجاز و سمبلها، با بحثهای تأکید بر قلب محوری و با تجربه دینی خود، دیدگاههای خود را راجع به کمال ایمان به بحث میگیرد، فهم شرح و تأیید خود را نیز مبتنی به این سمبل و مجازها و نمود میسازد. چنین به نظر میرسد که نوایی با اینها بر علاوه جنبه نظری ایمان به بُعدی درونی، حسی ایمان بیشتر تأکید می نماید. بنابراین میتوان گفت که او، با پیوند برخی ارزشهای اخلاقی را با ایمان که اینها را میتوان افعال قلب نیز خطاب کرد، می کوشد تا ایجاد یک سیستم کامل اعتقادی را تأسس نماید.

همچنان از نظر نوایی کسیکه از نگاه تصدیق و اقرار وصف مؤمن را حاصل میکند، ارزشهای باور داشته خود را عملی و در زندگی خود تطبیق بکند وصف انسان بودن را (از نگاه خلاق) نیز کسب خواهد کرد. باید یاد آور شد که در مفکوره نوایی، انسان کامل نیز دارای این خصوصیات میباشد. با این جهات، می توان تحلیل مفهوم ایمان اهل معنی و اهل ظاهر را تأکید بر یکپارچگی ایمان- اعمال- اخلاق و از سوی دیگر موضوع روش تالیف مسئله های دینی و اخلاقی وی شمرد. مسلماً، اعتقادی که از گفتار به عمل منتهی نشود، تأثیری در ساختار زندگی شخصی و تأثیری در عملکرد وظایف اجتماعی ندارد. بنابراین، اگر از جهان بینی ایده آل بر اساس فرد و جامعه بحث صورت گیرد، لازم است به خاطر داشته باشیم که با پیوستن به نوایی، ایمان-عمل- اخلاق هر سه را بخشی از یک کل باید دانست .

<sup>49</sup> Taş, *İhvan-ı Safâ'da Felsefe ve Din Münasebeti*, s. 215.

<sup>50</sup> Kılıç, *İlk Dönem Süfi Düşüncede İmana yaklaşımlar*, s. 93.

<sup>51</sup> قرب به عنوان یک مرتبه ی مهم در نقشبندیه پنداشته می شود و دو بخش دارد: مقام و مرتبه ی قرب که از طریق فنا، بقا و سلوک بدست آمده باشد به آن «قرب و لایت»، قرب که از طریق تابعیت به حضرت پیامبر و از طریق وراثت بدست آمده باشد به آن "قرب نبوت" گفته میشود. ما معتقدیم که نوایی اولین مورد از " کلمه «قرب» را در اینجا به کار برده است. برای کلمه ی قرب نگاه کنید:

Ateş, Süleyman, "Kurb", *DİA*. XXVI, İstanbul, 2002, 433.

<sup>52</sup> نوایی، حیرت الأبرار، عنوان، XXII، ۸۸.

<sup>53</sup> Güneş, *İman ve Yorum*, s. 21.

## منابع

- ۱- ابو حنیفه، امام اعظم، العالم و المتعلم، (شامل مجموعه ای پنج اثر امام اعظم)، ترجمه، مصطفی اوز، استانبول: بی نا، ۲۰۱۷.
- ۲- ابو حنیفه، امام اعظم، الفقه الأكبر، (شامل مجموعه ای پنج اثر امام اعظم)، ترجمه، مصطفی اوز، استانبول: بی نا، ۲۰۱۷.
- ۳- ماتریدی، ابومنصور، محمد بن محمد بن محمود، کتاب التوحید، ترجمه، بکیرتوپال اوغلو انقره: بی نا، ۲۰۰۹.
- ۴- نسفی، ابوالمعین میمون بن محمد، کتاب التمهید لقواعد التوحید، (اساسات توحید)، ترجمه (به زبان ترکی)، هلیا آلپار استانبول: بی نا، ۲۰۱۳.
- ۵- نوایی، علی شیر، حیرت الأبرار، تحقیق و ترجمه، وحید تورک و شعبان دوغان انقره: بی نا، ۲۰۱۵.
- ۶- نوایی، علی شیر، سراج المسلمین، (شامل مجموعه ای آثار نوایی)، تحقیق، عبدالله رویین، مزار شریف: بی نا، ۲۰۱۰.

## منابع ترکی

Ahmadoglu, Sayid Arif, *Ali Şir Nevayi'nin Kelâmî Görüşleri-Hamse Adlı Eseri Örneği-*, NEÜ., Sosyal Bilimler Enstitüsü, Temel İslam Bilimleri, Anabilim Dalı, (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Konya, 2016.

Altınışik, Yusuf, *Ali Şir Nevâyî'de Tasavvuf*, Harran Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Temel İslâm Bilimleri Anabilim Dalı, (Basılmamış Doktora Tezi), Şanlıurfa, 2002.

Altıntaş, Ramazan, Çelebi, İlyas vd., *Kelam El Kitabı*, Ankara, 2012.

Ateş, Süleyman, "Kurb", *DİA.*, XXVI, (432-433), İstanbul, 2002.

Cengiz, Lütfü, *İbn Rüşd'de Uluhiyet*, Konya, 2015.

Çelebi, İlyas, *İslâm'ın İnanç Esasları*, İstanbul, 2010.

Çetindağ, Yusuf, *Ali Şir Nevaî*, İzmir, 2011.

Demir, Ekrem, "Yaratma", *DİA.* XXXXIII, (329-331), İstanbul, 2013.

Demir, Ekrem, "Sûret" *DİA.* XXXVII, (540-541), İstanbul, 2009.

*DİA.*, "Allah" *DİA.* II, (499), İstanbul, 1989.

Gölcük, Şerafeddin, *İslâm Akâidi*, Konya, 2009.

Gölcük, Şerafeddin, Toprak, Süleyman, *Kelam Tarih, Ekoller, Problemler*, Konya, 2001.

Güneş, Kamil, *İman ve Yorum*, Konya, 2010.

Kalkan, Ahmet, *Müslüman Akâidi*, İstanbul, 2007.

Kılıç, Erol, *İlk Dönem Sûfi Düşüncede İmana Yaklaşımlar*, Gazi Ün., Sosyal Bilimler Ens., Basılmamış Yüksek Lisans Tezi, Ankara, 2006.

Levend, Agâh Sırrı, *Alîşir Nevaî*, Hayatı, Sanatı ve Kişiliği, Ankara, 1965.

Öz, Mustafa, "Mestûr", *DİA.*, XXIX, (338-339), Ankara, 2004.

Savuran, Yusuf, *İzmirli İsmail Hakkı'nın "Mulahas İlm-i Tevhîd" Eserinin Sadeleştirilmesi ve Kelamî Açından Değerlendirilmesi*, Erciyes Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Kayseri, 2005.

Sinanoğlu, Mustafa, "İman", *DİA.*, XXII, (212-214), İstanbul, 2000.

Şahin, Abdullah, "Edebî Bir Tür Olarak Klâsik Edebiyatımızda Esmâ-i Hüsnâ'lar", AÜ., *Türkiyat Araştırmaları Enstitüsü Dergisi*, Sy., 16, Erzurum, 2001.

Şensoy, Sedat, "mana", *DİA.* XXVII, (555-557), İstanbul, 2003.

Taş, İsmail, *İhvan-ı Safâ'da Felsefe ve Din Münasebeti*, Konya, 2012.

Topaloğlu, Bekir, *Allah İnancı*, İstanbul, 2010.

Topaloğlu, Bekir ve İlyas Çelebi, *Kelam Terimleri Sözlüğü*, İstanbul, 2010.

Uludağ, Süleyman, "Batın İlmî", *DİA.*, V, (188-189), İstanbul, 1992.

Uludağ, Süleyman, "Keşf", *DİA.*, XXV, (315-317), İstanbul, 2002.

Uzun, Şerife, *61. Yüzyıl Klasik Türk Edebiyatında Tevhid*, Ankara, 2013.

Yeprem, Mustafa Saim, *Mâtürîdî'nin Akîde Risâlesi ve Şerhi*, Ankara, 2011.